

کاربست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سعدی و پروین اعتصامی در مورد مفاهیم "دنیا" و "زندگی"

ناهد بهمنش^۱

فروغ کاظمی^۲

ستاره مجیدی^۳

چکیده

در پژوهش پیش‌رو مسأله اصلی بررسی شیوه مفهوم‌سازی استعاری "دنیا" و "زندگی" در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین است. هدف از این تلاش آن است که دیدگاه غالب این دو شاعر نسبت به فلسفه زندگی بازنمایی شود. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. نتایج حاصل از بررسی‌های کمی پژوهش شامل ۲۹۹ استعاره مفهومی با حوزه مقصد دنیا و زندگی است که از قصیده‌ها و قطعه‌های دو شاعر نمونه‌گیری و ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در شعر دو شاعر حوزه‌های مبدأ مشترک برای مفهوم‌سازی دنیا و زندگی، شیء و انسان است. از وجوه اشتراک دو شاعر آنست که بر اساس داده‌ها هر دو به مفهوم‌سازی دنیا بیشتر توجه داشته‌اند تا مفهوم‌سازی زندگی. پژوهش نشان داد در شعر هر دو شاعر میان اهداف استعاره‌های مفهومی دنیا و زندگی همپوشانی و انسجام وجود دارد؛ به طوری که می‌توان گفت نمایان‌گر ناپایداری دنیا، لزوم عدم توجه به فریبندگی‌های دنیا، لزوم توجه به چگونگی گذران عمر و زندگی و لزوم انجام اعمال نیک در طول زندگی برای دستیابی به سعادت ابدی در دنیای پس از مرگ هستند.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، دنیا، زندگی، سعدی، پروین اعتصامی.

۱- گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. n_behmanesh_2011@yahoo.com

۲- گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). for.kazemi@iauctb.ac.ir

۳- گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. majidi_setareh@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

بر اساس نظریه استعاره مفهومی^۱ که لیکاف و جانسون در سال ۱۹۸۰ ارائه دادند؛ استعاره^۲ حاصل الگوهای شناختی در ذهن است و بخشی از تفکر قلمداد می‌شود. جرج لیکاف^۳ (۱۹۹۳) معتقد است نظام مفهومی در ذهن انسان ماهیتی استعاری دارد و استعاره یکی از ابزارهای مفهوم‌ساز است. در این دیدگاه، استعاره‌ها می‌توانند واقعیت‌ها و به ویژه واقعیت‌های اجتماعی را خلق نمایند و بنابراین می‌توانند راهنمایی برای کنش‌ها و عملکردهای ما در آینده باشند. مطابق با این دیدگاه استعاره به عنوان سازوکاری برای مفهوم‌سازی است که هم در زبان ادب و هم در زبان روزمره کاربرد دارد و بررسی استعاره‌ها می‌تواند به بازنمون تفکر و جهان‌بینی شاعران، نویسندگان و فرهنگ‌گال دوره آنها در مورد مفاهیم مختلف بینجامد؛ بنابراین می‌توان گفت این نظریه پیوند مناسبی میان زبانشناسی و ادبیات خلق کرده است.

مفهوم "دنیا" و مفهوم "زندگی" از مفاهیم انتزاعی و ذهنی هستند که معمولاً در آثار شاعران و نویسندگان برای درک بهتر به صورت استعاری تظاهر دارند. این دو مفهوم اساس و فلسفه آفرینش انسان را متجلی می‌کنند. در پژوهش حاضر مساله اصلی این است که شیوه مفهوم‌سازی استعاری "دنیا" و "زندگی" در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که سعدی و پروین اعتصامی هر دو از شاعران پیرو سبک تعلیمی به شمار می‌روند، در مطالعه حاضر هدف آنست که با بررسی استعاره‌های "دنیا" و "زندگی" در اشعار این دو شاعر نوع نگاه و جهان‌بینی آنها نسبت به فلسفه زندگی مورد مقایسه قرار گیرد. نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند برای پژوهشگران حوزه‌های زبانشناسی، ادبیات، علوم تربیتی و روانشناسی، فلسفه و سایر علاقه‌مندان مثمر‌ثمر باشد و از این لحاظ حائز اهمیت است.

مفاهیم "دنیا" و "زندگی" گاه به طور صریح و تحت اللفظی در اشعار تجلی یافته‌اند؛ مانند این مصرع از سعدی در مورد دنیا که می‌گوید: "دنیا مثل بحر عمیقست پر نهنگ" (سعدی، ۱۳۸۱: ۸۱۰) یا بیتی از پروین در مورد زندگی که می‌گوید: "از سنگ اهرمن نتوان داشت ایمنی / تا بر درخت بارور

1- conceptual metaphor
2- metaphor
3- George Lakoff

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سدهی... ۵۹۱۱۱

زندگی بر است" (پروین، ۱۳۹۶: ۵۱) و گاه با مفاهیم مترادف خود در اشعار تجلی یافته اند؛ نظیر "جهان"، "گیتی"، "روزگار"، "زمانه"، "دهر"، "ایام"، "عالم"، "خاکدان"، "سپهر" و "فلک" به جای مفهوم "دنیا" و "عمر"، "هستی"، "وجود"، "حیات" و "عیش" به جای مفهوم "زندگی" مانند این بیت از پروین که می گوید: "در دام روزگار چرا چونان / شد پایبند خاطر آزادت" (همان: ۶۲) که در آن استعاره مفهومی "دنیا به مثابه دام است"، "دنیا" را به واسطه مفهوم "دام" سازمان می دهد. همان گونه که دام غالباً ناپیدا است، دنیا نیز ناشناخته است. همان گونه که دام پرمخاطره است و در آن خطر صید شدن، زخمی شدن و از دست دادن جان وجود دارد، دنیا نیز پرمخاطره است و باید آگاهانه گام برداشت تا به رستگاری رسید. گاهی نیز درک آن‌ها بر اساس معنای بافتی امکان پذیر می گردد؛ مانند بیتی از سعدی که می گوید: "سرای آخرت آباد کن به حسن عمل که اعتماد بقا را نشاید این بنیان" (سعدی، ۱۳۸۱: ۷۹۲) که با توجه به مصرع نخست می توان دریافت مصرع دوم اشاره به مفهوم "دنیا" دارد و استعاره مفهومی "دنیا به مثابه ساختمان است"، "دنیا" را با مفهوم "ساختمان" سازمان می دهد و با اشاره به ویژگی فناپذیری و سستی، تزلزل آن را در ذهن تداعی می کند تا مخاطب دریابد برای آسایش در دنیای پس از مرگ باید هر چه سریع تر بکوشد و اعمال نیکو انجام دهد.

این پژوهش با بررسی استعاره‌های مفهومی با حوزه مقصد "دنیا" و "زندگی" در قصیده‌ها و قطعات سعدی و پروین در پی یافتن پاسخ به این سوالات است:

الف) استعاره‌های مفهومی با حوزه مقصد "دنیا" و "زندگی" در اشعار سعدی و پروین غالباً با چه حوزه مبداهایی بیان شده‌اند؟

ب) مفهوم‌سازی "دنیا" و "زندگی" دیدگاه غالب این دو شاعر را نسبت به فلسفه زندگی چگونه بازنمایی می کند؟

۲. پیشینه پژوهش

همان گونه که در بخش مقدمه اشاره شد پس از طرح نظریه استعاره مفهومی، بررسی استعاره‌ها در متون ادبی و غیر ادبی از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. از نمونه‌های داخلی چنین مطالعاتی که به مفهوم "زندگی" یا "دنیا" پرداخته‌اند، پژوهش گرجی و صارمی (۱۳۹۲) با عنوان "بررسی استعاره مفهومی "رفتن" در شعر قیصر امین پور بر پایه معناشناسی شناختی" است که محققان با بررسی استعاره‌های مفهومی "رفتن" به تبیین جایگاه "زندگی، سفر است" در اشعار وی پرداخته‌اند.

۱۱۶۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

پورابراهیم (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان "مفهوم‌سازی زندگی در زبان قرآن" دریافته است که مفهوم "زندگی" در قرآن کریم با حوزه‌های مبدأ "سفر"، "بازی"، "خانه" و "کالا" مفهوم‌سازی شده است. پژوهش دیگری که به بررسی مفهوم "دنیا" در شعر پروین پرداخته، پژوهش مراد و حسونند (۱۳۹۶) با عنوان "کاربرد استعاری دنیا در شعر پروین با رویکرد شناختی" است که محور اندیشه پروین را دنیاستیزی یافته‌اند. قابل ذکر است در پژوهش یاد شده جمع‌آوری داده‌ها صرفاً از استعاره‌های مصرحه "دنیا" در شعر پروین صورت گرفته؛ به عبارتی نمونه‌ها شامل استعاره‌های کلاسیک "دنیا" هستند که مشابه در آنها تظاهر یافته است. بنابراین بدین لحاظ از پژوهش حاضر متفاوت است؛ زیرا در پژوهش حاضر استعاره‌های "دنیا" و همچنین "زندگی" در شعر سعدی و پروین به طور کل مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز بر اساس نظریه استعاره مفهومی صورت گرفته تا به بازنمایی تفکر غالب نویسنده و شاعر آثار بینجامد. برای نمونه در پژوهش خراسانی و غلامحسین‌زاده (۱۳۹۷) تلاش شده است به بررسی استعاره‌های شناختی در دیوان قصاید ناصر خسرو پرداخته شود. این محققان نتیجه گرفته‌اند که ناصر خسرو اکثر مفاهیم ذهنی و فلسفی خود را در قالب استعاره‌های مفهومی بیان کرده است که موجب بالا بردن درجه ادبیت کلام وی شده است. قاسم‌زاده (۱۳۹۸) نیز در مطالعه خود تلاش کرده با واکاوی نظام فکری نعیم فراش‌ری، شاعر بزرگ فارسی‌گوی آلبانی، بر اساس نظریه استعاره‌های مفهومی، جهان بینی او نسبت به طبیعت مادی را بازنمایی کند.

از مطالعات اخیر در زمینه استعاره‌های مفهومی، مطالعه کمالی بانیانی و امامی (۱۴۰۰) با عنوان "تلفیق استعاره‌های مفهومی و تصویر در دیوان حافظ" قابل ذکر است که محققان آن با بررسی بیست و نعل از حافظ با توجه به داده‌های پژوهش نتیجه گرفته‌اند که مهم‌ترین و پربسامدترین نگاشت‌ها و مصداق‌های عینی و ذهنی که حافظ برای توصیف و تصویرگری از آنها بهره گرفته است عبارتند از "طبیعت، عشق و رندی، امید، زهد و ریا، عرفان و ملامت" که بیشترین بسامد مربوط به طبیعت و کمترین مربوط به ملامت است. خزاعی اصفهانی (۱۴۰۰) نیز مطالعه‌ای با عنوان "بررسی تطبیقی استعاره و حوزه‌های مبدأ و مقصد در غزلیات حافظ و سعدی در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی" تدوین نموده است. او در رساله خود با توجه به نظریه استعاره مفهومی کوشیده به شناخت بهتری از شخصیت فردی و اجتماعی، طرز تفکر و نگرش دو شاعر مورد مطالعه دست یابد. در رساله یاد شده

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سعدی... ۶۱

استعاره‌های مفهومی در شعر حافظ و سعدی به طور کلی مد نظر قرار گرفته‌اند و به همین علت ضمن آن که از بررسی استعاره "دنیا" مغفول مانده؛ استعاره‌های "زندگی" نیز به طور دقیق و عمیق مطالعه نشده است؛ در صورتی که در پژوهش حاضر تمرکز توأمان تنها بر استعاره‌های مفهومی "دنیا" و "زندگی" در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین است تا به کشف جهان‌بینی آنان دست یابد.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، در میان مطالعات خارجی تعدادی مانند مطالعه کووچش^۱ (۲۰۰۹) و یانگ^۲ (۲۰۱۵) به بررسی نقش و کارکرد استعاره در اشعار پرداخته‌اند. یانگ با تحلیل دو متن شعری بر اساس رویکرد شناختی، نتیجه گرفته است که کارکرد استعاره شعری، کارکرد بلاغی است؛ زیرا به طور همزمان ویژگی‌های رسایی و فشرده‌سازی را دارد و عملکردهای شناختی و زیبایی شناختی استعاره شعری است که باعث انتقال حقیقت و زیبایی می‌شود. از دیگر مطالعات خارجی که هر یک به نوعی به مفهوم زندگی بر اساس دیدگاه شناختی پرداخته‌اند می‌توان از پژوهش چاتریس بلک^۳ (۲۰۱۷) که به بررسی استعاره‌های رقابت و ایدئولوژی پرداخته، یاد کرد که تلاش برای دستیابی به قدرت را ماحصل تفکر استعاری "زندگی رقابت است" می‌یابد. همچنین لوئو^۴ (۲۰۱۸) با مطالعه مفهوم "زندگی" به صورت پیکره بنیاد، به کشف استعاره‌های زندگی در زبان چینی از دیدگاه شناختی پرداخته است. ترانگ^۵ (۲۰۲۱) نیز در مطالعه خود با عنوان "مفهوم‌سازی زندگی در شعارهای تبلیغاتی انگلیسی و ویتنامی" نتیجه گرفته است که در هر دو زبان بیشتر از حوزه‌های مبدأ آرگانسیم زنده، شی، سفر، ساختمان، جنگ و مبارزه برای مفهوم‌سازی زندگی استفاده می‌شود.

در کل بر اساس مطالعات انجام شده در این پژوهش و مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی، تاکنون پژوهشی که توأمان بر روی چگونگی مفهوم‌سازی مفاهیم "دنیا" و "زندگی" در اشعار سعدی و پروین اعتصامی متمرکز باشد، صورت نگرفته است.

1- Kovceses

2- Yang

3- Charteris-Black

4- Luo

5- Trang

۳. مبانی نظری

از دهه ۱۹۷۰ میلادی شاخه زبان شناسی شناختی با هدف بازنمایی ساختار مفهومی توسط زبان‌شناسان و صاحب‌نظرانی چون لیکاف، لانگاکر^۱ و تالمی^۲ شکل گرفت (ایوانز و همکاران، ۲۰۰۷: ۶۹). به اعتقاد زبان‌شناسان شناختی، با مطالعه ساختار نظام‌مند زبان می‌توان به ساختار اندیشه پی برد (تالمی، ۲۰۰۰: ۵۴۱). به گفته گیررتس^۳ (۲۰۰۶) در سایر رویکردهای زبان‌شناسی به وجود حوزه برای نحو، صرف و واج‌شناسی قائل هستند و اعتقاد بر این است که قواعد هر حوزه از حوزه دیگر مجزاست؛ اما در دیدگاه شناختی معنی و مفهوم‌سازی بخش بسیار مهمی است که در سایر بخش‌های زبان شامل نحو، صرف و واج‌شناسی وجود دارد.

مطالعات زبان‌شناسی شناختی به طور شامل معنی‌شناسی شناختی^۴ و دستورشناختی^۵ است. معنی‌شناسی شناختی با مفهوم‌سازی و ساختار مفهومی سروکار دارد و برای معنی‌شناسان شناختی درک ماهیت نظام مفهومی ذهن انسان حائز اهمیت است (لیکاف، ۱۹۹۳). از اساسی‌ترین بخش‌های مطالعات معنی‌شناسی شناختی، بحث استعاره است.

لیکاف و جانسون^۶ در کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم*^۷، برای نخستین بار از استعاره، تحلیلی شناختی ارائه دادند که نظریه استعاره مفهومی^۸ نام گرفت. طبق این نظریه، فهم هر حوزه مفهومی در ذهن بر اساس حوزه مفهومی دیگر صورت می‌پذیرد. لیکاف و جانسون (۱۳۹۵) در کتاب خود با ذکر تعداد زیادی از مفاهیم نشان دادند که در استعاره شباهت میان قلمرو مبدأ و مقصد ضرورت ندارد و در واقع ریشه‌های تجربی و فرهنگی حاکم بر ذهن هستند که باعث انتخاب یک حوزه برای حوزه دیگر و ایجاد ارتباط میان دو مفهوم می‌شود. برای مثال انگلیسی‌زبانان بوسیله استعاره مفهومی ذهنی "زندگی قمار است" می‌توانند حوزه مفهومی زندگی را بر پایه قمار کردن درک کنند و جمله‌های بیشماری را بر این اساس تولید کنند.

-
- 1- Langacker
 - 2- Talmy
 - 3- Geeraerts
 - 4- cognitive semantics
 - 5- cognitive grammar
 - 6- Lakoff & Johnson
 - 7- Metaphors We Live By
 - 8- conceptual metaphor theory

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تکرار غالب سعدی... ۶۳۱۱۱

از آنجا که استعاره‌ها، امور انتزاعی و ذهنی را عینیت می‌بخشند؛ یکی از بهترین ابزارهای کشف معنا هستند؛ زیرا با بررسی استعاره‌ها برخی از امور و مفاهیم ناپیدا آشکار می‌شوند. مطابق با نظریه استعاره مفهومی، هر استعاره دارای دو حوزه یا دو نگاهت متناظر با هم است: حوزه مبدأ و حوزه مقصد. مفاهیم ملموس و عینی که با تجربه‌های جسمی و زیستی انسان مرتبط هستند، حوزه مبدأ نام دارند. مفاهیم انتزاعی و ذهنی که درک آن‌ها به طور معمول مشکل است و بنابراین با حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی می‌شوند، حوزه مقصد نام دارند. در این نظریه، استعاره نگاهت سازمان یافته از حوزه مبدأ به حوزه مقصد است که با صورت‌بندی "حوزه مقصد، حوزه مبدأ است" بیان می‌شود. برای مثال وقتی می‌گوییم "زندگی سفر است" درک حوزه زندگی بر پایه حوزه سفر امکان‌پذیر می‌شود؛ بدین معنا که "زندگی" مانند یک "سفر" مقدماتی لازم دارد و دشواری‌ها، موانع، شیرینی‌ها و تجارب خاص خود را داراست. در واقع "زندگی" و "سفر" به نوعی در زبان و در اصل در ذهن با هم شبیه‌سازی می‌شوند و بین آنها رابطه برقرار می‌گردد و این امر موجب درک مفهوم انتزاعی "زندگی" می‌شود (لیکاف، ۱۹۹۳). برای تمامی استعاره‌ها می‌توان یک حوزه مبدأ و یک حوزه مقصد مشخص کرد. حوزه مبدأ معمولاً عینی‌تر، ملموس‌تر و تجربی‌تر؛ اما حوزه مقصد؛ ذهنی‌تر و انتزاعی‌تر است (لی، ۲۰۰۱: ۶). به اعتقاد لیکاف و جانسون حوزه‌های مبدأ می‌توانند شامل جهت‌های فیزیکی، اشیاء، مواد، ادراک، سفر، جنگ، دیوانگی، غذا، ساختمان و نظایر آن باشند. حوزه‌های مقصد هم شامل عشق، زمان، ایده‌ها، بحث‌ها، کار، شادی، سلامتی، تسلط، جایگاه، اصول اخلاقی و نظایر آن است (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳: ۱۱۸). بر اساس نظر لیکاف و جانسون، برای یک مفهوم نظیر زندگی، استعاره‌هایی مانند "زندگی ظرف است"، "زندگی قمار است" و نظایر آن در زبان انگلیسی تظاهر دارد که نشانگر جنبه‌های مختلف زندگی است (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳: ۹۱).

۴. پیکره پژوهش و تحلیل داده‌ها

۴-۱. نمونه‌هایی از حوزه‌های مبدأ "دنیا" و "زندگی" در قصیده‌ها و قطعه‌های

سعدی

در این بخش تلاش شده است ابتدا نمونه‌هایی از استعاره‌های "دنیا" و سپس نمونه‌هایی از استعاره‌های "زندگی" در اشعار سعدی بیان گردد.

۱۱۶۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

دل میند ای حکیم بر دنیا که نه چیز یست جاه مختصرش
(سعدی، ۱۳۸۱: ۸۹۵)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه شیء است.

حوزه مبدأ: شیء بی ارزش (شیء)

جهان نماند و خرم روان آدمیی که باز ماند ازو در جهان به نیکی یاد
(همان: ۷۵۷)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه شیء است.

حوزه مبدأ: شیء فانی و از بین رفتنی (شیء)

در بیت‌های فوق دنیا به مانند شیء بی ارزش و شیء فانی و بی دوام و از بین رفتنی مفهوم‌سازی شده است که انسان پس از مرگ آن را از دست خواهد داد. به نظر در فرهنگ ما هر آنچه شیء باشد، هر چقدر هم که گرانها باشد، از دست رفتنی است. بنابراین شیء‌انگاری دنیا می‌تواند بی ارزش بودن آن برای دل‌بستگی را در ذهن مخاطب تداعی نماید.

دوام پرورش اندر کنار مادر دهر طمع مکن که درو بوی مهربانی نیست
(همان: ۷۵۷)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه مادری نامهربان است.

حوزه مبدأ: مادر نامهربان (انسان)

دنیا زنی است عشوه ده و دلستان ولیک با کس بسر همی نبرد عهد شوهری
(همان: ۸۰۷)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه زن بدعهد است.

حوزه مبدأ: زن (انسان)

در این نمونه‌ها دنیا به مانند مادر و زن مفهوم‌سازی گردیده است؛ اما از آنجا که واژه مادر و واژه زن معمولاً تداعی کننده مهر و عاطفه هستند، سعدی از الفاظ نامهربان و بدعهد استفاده کرده است تا ویژگی منفی آن یعنی فریبندگی را برجسته نماید و مخاطب دریابد دل‌بستگی به دنیا جز تباهی ارمغانی ندارد.

دل ای رفیق درین کاروانسرای میند که خانه ساختن آیین کاروانی نیست

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سعدی... ۶۵|||

اگر جهان همه کامست و دشمن اندر پی بدوستی که جهان جای کامرانی نیست
(همان: ۷۵۶)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه کاروانسرا و منزل موقتی است. (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).
حوزه مبدأ: کاروانسرا (سفر)

در این نمونه، سعدی دنیا را مانند یک اقامتگاه موقت در سفر مفهوم سازی کرده است. به نظر این
استعاره‌ها بر وجود کلان استعاره "دنیا سفر است" در فرهنگ فارسی زبانان دلالت دارند.

دوام پرورش اندر کنار مادر دهر طمع مکن که درو بوی مهربانی نیست
مباش غره و غافل چو میش سر در پیش که در طبیعت این گرگ گله بانی نیست
(همان: ۷۵۶)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه گرگ است. (در این نمونه بر مبنای بافت شعری، گرگ مجازاً به
جای واژه دنیا به کار رفته است).
حوزه مبدأ: گرگ (حیوان)

خدای سلطنت بر زمین **دنیا** داد ز بهر آنکه درو تخم آخرت کاری
(سعدی، ۱۳۸۱: ۸۰۵)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه زمین کشت و مزرعه است.
حوزه مبدأ: مزرعه

استعاره "دنیا مزرعه آخرت" است، ریشه در فرهنگ و مذهب ما دارد. این استعاره فلسفه زندگی
دنیوی را تبیین می کند و وابستگی سعادت ابدی به زندگی دنیوی را برجسته سازی می نماید.

بهشت گرچه پر آسایشست و ناز و نعیم جز آن **متاع** نیابی که خود فرستادی
ترا سلامت دنیا و آخرت باشد که بیخ خیر نشاندی و داد حق دادی
(همان: ۸۰۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه بازار است. (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).
حوزه مبدأ: بازار (اقتصاد و تجارت)

۱۱۱۶۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

در بیت فوق دنیا به مانند بازار و محل خرید متاع و اجناس مورد نیاز برای بهشت وعده داده شده مفهوم سازی شده است. این استعاره مسئول بودن هر فرد در مقابل اعمالش و این که عاقبت به خیری در دنیا و آخرت حاصل دسترنج خود اوست، را برجسته سازی میکند.

نظر به چشم ارادت مکن به صورت دنیا که التفات نکردند بر وی اهل معانی
پیاده رفتن و ماندن به از سوار بر اسپ که ناگهت بزمین برزند چنانکه نمایی
(همان: ۹۰۶)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه اسب است. (در این نمونه بر مبنای بافت شعری، اسب مجازاً به جای واژه دنیا به کار رفته است).
حوزه مبدأ: اسب (حیوان)

اسب در فرهنگ ما حیوانی نجیب به شمار می رود، بنابراین در ابیات فوق دنیا به مثابه اسبی سرکش مفهوم سازی شده و بدین گونه شاعر تلاش نموده بارمعنایی منفی از دنیا در ذهن مخاطب ایجاد کند و ویژگی مخاطره آمیز بودن آن را برجسته سازد.

۲-۴. نمونه هایی از حوزه های مبدأ "زندگی" در قصیده ها و قطعه های سعدی

هر که بر روی زمین مهلت عیشی دارد	ای بسا روز که در زیر زمین خواهد بود (همان: ۸۸۹)
----------------------------------	--

استعاره مفهومی: زندگی منبع و فرصت است.
حوزه مبدأ: منبع (ماده و شیء)

در بیت فوق زندگی به مثابه منبع مفهوم سازی شده است. این استعاره همه انواع مفاهیم ممکن "زندگی" نظیر خوشگذرانی که در دیگر فرهنگ ها وجود دارد را پنهان می سازد و مفاهیم دیگری که در فرهنگ ما رایج است مانند محدودیت فرصت زندگی و لزوم برنامه ریزی و لزوم هوشیارانه عمل کردن در زندگی را برجسته می سازد.

عمرت برفت و چاره کار نساختی اکنون که چاره نیست به بیچارگی بیا
(سعدی، ۱۳۸۱: ۷۵۰)

استعاره مفهومی: زندگی و عمر به مثابه شیء از دست دادنی است.

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سدهی... ۶۷\|\|

حوزه مبدأ: شیء از دست دادنی (شیء)

در بیت فوق زندگی و عمر به مثابه شیء از دست رفتنی مفهوم سازی شده است. این استعاره عدم بهره گرفتن انسان از زندگی به علت غفلت و عیش و خوشگذرانی را برجسته می سازد.

وجود عاریتی خانه ایست بر ره سیل چراغ عمر نهادست بر دریچه باد

(همان: ۷۵۷)

استعاره مفهومی: زندگی به مثابه شیء عاریه ای و بی ارزش است.

حوزه مبدأ: شیء بی ارزش (شیء)

چنان صرف کن دولت و **زندگانی** که نامت به نیکی بماند مخلد

(همان: ۷۶۱)

استعاره مفهومی: زندگی به مثابه شیء است.

حوزه مبدأ: شیء خرج کردنی (شیء)

مثال **عمر** سر بر کرده شمعیست که کوته باز می باشد دمام

(همان: ۷۸۲)

استعاره مفهومی: زندگی و عمر به مثابه شمع است.

حوزه مبدأ: شیء از بین رفتنی (شیء)

همانگونه که مشاهده می شود سدهی با شیء انگاری زندگی و عمر تلاش دارد برای "زندگی" چارچوب و مرز قائل شود و تجارب خود از زندگانی را برای مخاطب ملموس سازد و به او هشدار دهد که هر لحظه غافل شدن ممکن است به تباهی اش بینجامد.

حریف **عمر** به سر برده در فسق و فجور به وقت مرگ پشیمان همی خورد سوگند

که توبه کردم و دیگر گنه نخواهم کرد تو خود دگر نتوانی به ریش خویش مخند

(همان: ۸۸۴)

استعاره مفهومی: زندگی و عمر به مثابه انسان است.

حوزه مبدأ: انسان (انسان)

انسان انگاری زندگی و عمر موجب می شود مخاطب گستره وسیعی از تجربه های مربوط به زندگی را در چارچوب انگیزه ها و فعالیت های انسانی درک کند.

دوچیز حاصل عمرست نام نیک و ثواب
وزین دو درگذری کل من علیها فان
(همان: ۷۸۹)

استعاره مفهومی: زندگی و عمر به مثابه مزرعه است.

حوزه مبدأ: زمین کشت (مزرعه)

استعاره‌های "دنیا مزرعه است" و "زندگی مزرعه است" دارای اهداف مشترک هستند و توصیف
مشترکی از مفاهیم "دنیا" و "زندگی" ارائه می‌دهند و به ایجاد جهان بینی نسبت به دنیا و نوع نگاه
مخاطب برای چگونه عمل کردن در زندگی می‌انجامد.

۳-۴. نمونه‌هایی از حوزه‌های مبدأ "دنیا" و "زندگی" در قصیده‌ها و قطعه‌های پروین

در این بخش ابتدا نمونه‌هایی از استعاره‌های "دنیا" و سپس نمونه‌هایی از استعاره‌های "زندگی" در
اشعار پروین بیان خواهد شد.

از دام تن به نام و نشانی توان گریخت
دام زمانه بود که نام و نشان نداشت
(اعتصامی، ۱۳۹۶: ۵۵)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه دام است.

حوزه مبدأ: دام، شیء صیادی (شیء)

مشو چو وقت که یک لحظه پایدار نماند
مشو چو دهر که یه یک عهد پایدار نکرد
(همان، ۷۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان بی‌وفا است.

حوزه مبدأ: انسان

تکیه بر اختر فیروز مکن چندین
ایمن از فتنه ایام مشو چندان
(همان: ۱۱۲)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان فتنه‌گر است.

حوزه مبدأ: انسان

کاربرد نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سده‌ی ... ۶۹|||

چه می‌دزدی از فرصت کار و کوشش تو خود نیز کالای دزد جهانی
(همان: ۱۲۹)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه دزد است.

حوزه مبدأ: انسان

گذشتگه است این سرای سپنجی برو بازجو دولت جاودان را
(همان: ۴۵)

همانگونه که در نمونه‌ها مشاهده می‌شود پروین نیز همچون سعدی کوشش نموده است با استعارهای شیء‌انگارانه و انسان‌انگارانه درک مناسبی از مفهوم "دنیا" به واسطه اجسام و مواد و به ویژه جسم خودمان در ذهن مخاطب ایجاد کند.

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه سرای سپنجی است. (ساختمان)

حوزه مبدأ: ساختمان

در این باغ دلکش که گیتی اش نامست قضا و قدر می‌کند باغبانی
(همان: ۱۳۱)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه باغ دلکش است.

حوزه مبدأ: باغ دلکش و جذاب (باغ)

کس در جهان مقیم به جز یک نفس نبود کس بهره از زمانه به جز یک زمان نداشت
زین کوچگاه، دولت جاوید هر که خواست الحق خبر ز زندگی جاودان نداشت
(همان: ۵۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه جاده و محل کوچ و رفتن است. (سفر) (تحلیل بر مبنای معنی بافتی است و بیت نخست شاهدهی است بر این مدعا که مقصود از کوچگاه همان دنیا است).

حوزه مبدأ: سفر

بسوز اندر این تیه، ای دل نهانی مخواه از درخت جهان سایبانی
(همان: ۱۲۸)

حوزه مبدأ: درخت

۱۱۱۷۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

در بیت فوق دنیا به مثابه درختی مفهوم سازی شده است که بر اساس بافت شعری ویژگی ناپایداری آن برجسته شده است.

ستیزه گر فلک، ای تیره بخت با تو ستیز نمی نمود تو خود گر ستیزه گر بودی
(اعتصامی، ۱۳۹۶: ۲۵۶)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه ستیزه گر و جنگجو است.
حوزه مبدأ: انسان

شنیده اید که آسایش بزرگان چیست؟ برای خاطر بیچارگان نیاسودن
به کاخ دهر که آرایش است بنیادش مقیم گشتن و دامان خود نیالودن
(همان: ۲۵۳)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه کاخ است. (ساختمان)
حوزه مبدأ: ساختمان

۴-۵. نمونه هایی از حوزه های مبدأ "زندگی" در قصیده ها و قطعه های پروین

از عمر رفته نیز شماری کن شمار جدی و عقرب و جوزا را
(همان: ۴۱)

استعاره مفهومی: زندگی به مثابه شیء قابل شمارش است.
حوزه مبدأ: شیء قابل شمارش (شیء)

از سنگ اهرمن نتوان داشت ایمنی تا بر درخت بارور زندگی بر است
(همان: ۵۱)

استعاره مفهومی: زندگی و عمر به مثابه درخت بارور است.
حوزه مبدأ: درخت

در بیت فوق بر اساس بافت شعری مفهوم سازی زندگی به مثابه درختی بارور و میوه دار، ویژگی آسیب پذیر بودن آن را برجسته کرده است.

اگر چه در ره هستی هزار دشواریست چو پر کاه پریدن ز جا سبکباریست
(همان: ۵۲)

استعاره مفهومی: زندگی به مثابه راه است.

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تکثر غالب سده‌ی ... ۷۱۱۱۱

حوزه مبدأ: راه (سفر)

این استعاره دلالت بر وجود کلان استعاره "زندگی سفر است" در ذهن و فرهنگ ما دارد.

وقت گرانمایه و **عمر** عزیز طعمه سال و مه و صبح و مسامت

(همان: ۶۱)

استعاره مفهومی: زندگی و عمر به مثابه شیء گرانبها است.

حوزه مبدأ: شیء گرانبها و قیمتی (شیء)

در فرهنگ ما وقت و عمر و زندگی منابعی محدود به شمار می‌روند و بنابراین به عنوان کالاهایی

گرانبها به حساب می‌آیند.

به نرد **زندگانی** مهره‌های وقت و فرصت را همه یکباره می‌بازی، نه می‌پرسی، نه می‌دانی

(همان: ۱۲۳)

استعاره مفهومی: زندگی و عمر به مثابه نرد است.

حوزه مبدأ: نرد (ورزش)

در بیت فوق ویژگی کوتاه بودن و داشتن فرصت کم در زندگی را برجسته‌سازی می‌نماید.

کجا با تند باد **زندگانی** دانی درافتادن تو مسکین کز نسیم اندکی چونید لرزانی

(اعتصامی، ۱۳۹۶، ۱۲۵)

استعاره مفهومی: زندگی و عمر به مثابه طوفان و تندباد است.

حوزه مبدأ: تندباد (طوفان)

به ملک **زندگی** ای دوست رنج باید برد دلی که مرد سزاوار زندگانی نیست

(همان: ۱۷۷)

استعاره مفهومی: زندگی به مثابه ملک است.

حوزه مبدأ: ملک (سرزمین)

جواب داد که آیین روزگار اینست بسی بلندی و پستی است **زندگانی** را

(همان: ۱۵۷)

استعاره مفهومی: زندگی به مثابه راه و سفر است.

حوزه مبدأ: راه (سفر)

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد از مجموع ۲۹۹ استعاره مفهومی مستخرج مرتبط با حوزه مقصد "دنیا" و "زندگی"، سعدی مفهوم‌سازی دنیا را در قالب ۵۳ حوزه مبدأ و مفهوم‌سازی زندگی را در قالب ۳۲ حوزه مبدأ بیان داشته است؛ اما پروین از ۱۷۶ حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی دنیا و از ۳۸ حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی زندگی بهره جسته است. بر اساس داده، در شعر دو شاعر حوزه‌های مبدأ مشترک برای مفهوم‌سازی دنیا و زندگی، شیء و انسان است. حوزه‌های مبدأ شیء، انسان، ساختمان، سفر، حیوان، دریا، مزرعه، اقتصاد و تجارت، جنگ و جهت‌های فیزیکی در اشعار هر دو شاعر برای مفهوم‌سازی دنیا مشاهده گردید. حوزه‌های مبدأ شیء و انسان در اشعار هر دو شاعر برای مفهوم‌سازی زندگی مشاهده گردید. در جدول‌های ۱ و ۲ به بسامد وقوع استعاره‌های مفهومی حوزه مقصد دنیا و زندگی در اشعار هر یک از دو شاعر به تفکیک قصیده و قطعه اشاره شده است.

جدول ۱. فراوانی حوزه‌های مبدأ کلی برای مفهوم‌سازی دنیا و زندگی در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی

ردیف	حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی دنیا	تعداد در قصیده	تعداد در قطعه	مجموع
۱	شیء	۱۱	۸	۱۹
۲	انسان	۶	۳	۹
۳	ساختمان	۶	۰	۶
۴	سفر	۴	۱	۵
۵	حیوان	۱	۱	۲
۶	دریا	۱	۰	۱
۷	سرزمین و ملک	۲	۱	۳
۸	مزرعه	۴	۰	۴
۹	اقتصاد و تجارت	۱	۰	۱
۱۰	جنگ	۰	۱	۱
۱۱	جهت‌های فیزیکی	۲	۰	۲
تعداد کل				۵۳
ردیف	حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی زندگی	تعداد در قصیده	تعداد در قطعه	مجموع
۱	شیء	۲۲	۲	۲۴

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سدهی ... ۷۳۱۱۱

۵	۴	۱	انسان	۲
۳	۰	۳	مزرعه	۳
۳۲	۶	۲۶	تعداد کل	

جدول ۲. فراوانی حوزه‌های مبدأ کلی برای مفهوم‌سازی دنیا و زندگی در قصیده‌ها و قطعه‌های پروین اعتصامی

ردیف	حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی دنیا	تعداد در قصیده	تعداد در قطعه	مجموع
۱	شیء	۲۴	۲	۲۶
۲	انسان	۵۰	۱۲	۶۲
۳	ساختمان	۸	۲	۱۰
۴	سفر	۱۶	۰	۱۶
۵	حیوان	۷	۱	۸
۶	دریا	۵	۰	۵
۷	مزرعه	۳	۰	۳
۸	باغ	۳	۰	۳
۹	معدن	۱	۰	۱
۱۰	قصه	۱	۰	۱
۱۱	جادو	۱	۰	۱
۱۲	کوه	۴	۰	۴
۱۳	دیو و اژدها	۶	۰	۶
۱۴	ورزش	۳	۰	۳
۱۵	چاه	۲	۰	۲
۱۶	خیمه و چادر	۱	۰	۱
۱۷	آتش	۱	۱	۲
۱۸	غذا	۲	۰	۲
۱۹	دشت	۱	۰	۱
۲۰	اقتصاد و تجارت	۲	۰	۲
۲۱	محکمه‌گاه	۲	۰	۲
۲۲	صاعقه	۱	۰	۱
۲۳	مکتب و مدرسه	۱	۱	۲

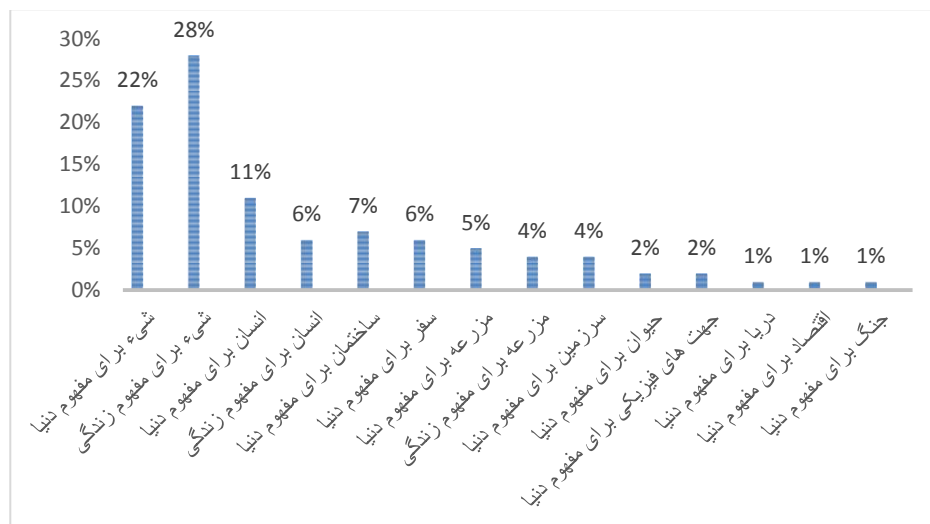
۱	۰	۱	کندو	۲۴
۲	۰	۲	جنگ	۲۵
۲	۰	۲	گیاه	۲۶
۱	۱	۰	کمینگاه	۲۷
۱	۱	۰	ده	۲۸
۵	۱	۴	جهت‌های فیزیکی	۲۹
۱۷۶	۲۲	۱۵۴	تعداد کل	
			حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی زندگی	ردیف
۱۹	۷	۱۲	شیء	۱
۶	۴	۲	انسان	۲
۴	۲	۲	سفر	۳
۲	۱	۱	حیوان	۴
۱	۱	۰	سرزمین و ملک	۵
۱	۱	۰	اقتصاد و تجارت	۶
۲	۱	۱	درخت	۷
۲	۱	۱	باغ	۸
۱	۱	۰	مسابقه	۹
۳۸	۱۹	۱۹	تعداد کل	

همان‌طور که مشاهده می‌شود سعدی از حوزه‌های مبدأ شیء، انسان و مزرعه برای مفهوم‌سازی هر دو مفهوم "دنیا" و "زندگی" بهره گرفته است. در اشعار او داده‌های با حوزه مبدأ شیء برای هر دو مفهوم با بالاترین بسامد یافت شده‌اند. در اشعار پروین از حوزه‌های مبدأ شیء، انسان، سفر، حیوان، اقتصاد و باغ برای مفهوم‌سازی هر دو مفهوم "دنیا" و "زندگی" بهره گرفته شده است. داده‌های مستخرج از اشعار هر یک از دو شاعر نشان می‌دهند که سعدی غالباً در قصیده‌ها به مفاهیم "دنیا" و "زندگی" پرداخته است؛ اما پروین به مفهوم "دنیا" غالباً در قصیده‌ها پرداخته و به مفهوم "زندگی" به طور یکسان در هر دو قالب شعری توجه داشته است. ضمن آن‌که با توجه به مجموع داده‌های

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سعدی... ۷۵۱۱۱

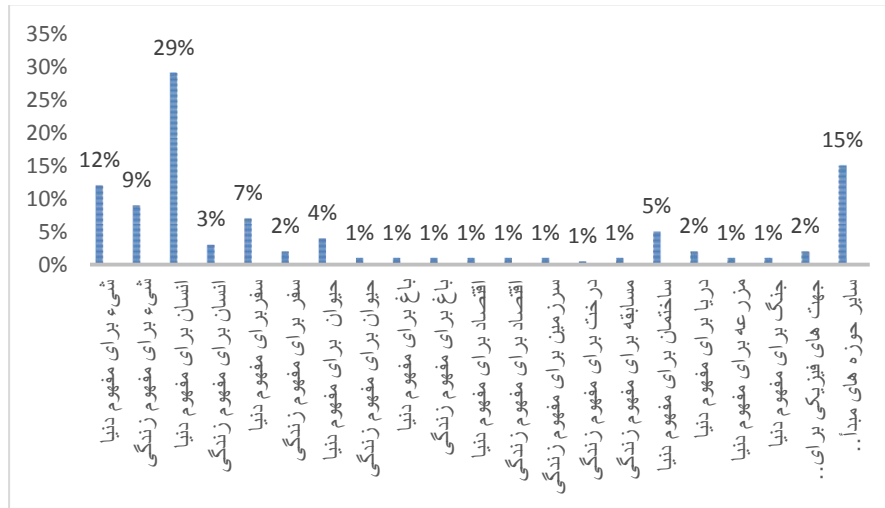
مستخرج می توان گفت از وجوه اشتراک دو شاعر آن است که هر دو شاعر به مفهوم سازی دنیا بیشتر پرداخته اند تا مفهوم سازی زندگی.

در اشعار سعدی برای مفهوم سازی دنیا علاوه بر حوزه های مبدأ کلی شیء، انسان و مزرعه از حوزه های مبدأ کلی ساختمان، سفر، سرزمین و ملک، حیوان، جهت های فیزیکی، دریا، اقتصاد و جنگ استفاده شده است. مقایسه بسامد وقوع حوزه مبدأ کلی شیء برای هر دو مفهوم "دنیا" و "زندگی" در اشعار سعدی نشان می دهد که او از این حوزه مبدأ برای مفهوم سازی زندگی بیشتر استفاده کرده است (نمودار ۱).



نمودار ۱. درصد فراوانی حوزه های مبدأ مفهوم دنیا و زندگی در قصیده ها و قطعه های سعدی

در اشعار پروین داده ها با حوزه مبدأ انسان برای مفهوم "دنیا" و داده ها با حوزه مبدأ شیء برای مفهوم "زندگی" با بالاترین بسامد یافت شده اند (نمودار ۲).



نمودار ۲. درصد فراوانی حوزه های مبدأ مفهوم دنیا در قصیده ها و قطعه های پروین اعتصامی

تاکنون به بررسی کمی مفاهیم "دنیا" و "زندگی" در اشعار دو شاعر پرداخته شد. در ادامه به بررسی و تحلیل دقیق تر استعاره های دو مفهوم یاد شده در اشعار دو شاعر می پردازیم. همان گونه که ملاحظه شد استعاره های "دنیا شیء است" و "زندگی شیء است" در شعر هر دو شاعر یافت شده اند. این استعاره ها ماهیت و محتوای دنیا و زندگی را نشان می دهند. بر اساس تجربه ما از شیء، چیزی است فانی، از دست رفتنی، بی ارزش و بر پایه آموزه های قرانی، دنیا و زندگی دنیوی در مقابل زندگی آخرت متاعی بیش نیست: "و فرحوا بالحیات الدنیا و ما الحیاط الدنیا فی الاخرت الا متاع" (سوره رعد، آیه ۲۶)، بنابراین استفاده از این استعاره ها نشان می دهد که دو شاعر قصد داشته اند که بر هر یک از این جنبه های دنیا و زندگی تأکید کنند و به مخاطب خود یادآور شوند که چون دنیا و زندگی دوام ندارند، بنابراین وابستگی به آن ها بی معناست.

استعاره های مشترک دیگر در شعر دو شاعر برای هر دو مفهوم، "دنیا انسان است" و "زندگی انسان است" قابل ذکر هستند. در این استعاره ها دو مفهوم انتزاعی "دنیا" و "زندگی"، انسان پنداشته شده اند و برخی از ویژگی ها و صفات خاص انسان نظیر بی وفایی، بی مهری، مکاری و نظایر آن به این مفاهیم نسبت داده شده است تا نوع نگاه و اندیشه شاعران نسبت به دنیا و زندگی را برای مخاطب روشن سازد و مخاطب دریابد که زندگی دوامی ندارد و هر آن ممکن است از دست برود و بنابراین نباید غافل شود و فریب ظواهر دنیوی رو بخورد.

کار بست نظیر استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سعدی... ۷۷\|

استعاره "دنیا سفر است" در شعر دو شاعر مشاهده می‌شود؛ اما استعاره "زندگی سفر است" در شعر پروین یافت شد. استعاره‌های "دنیا سفر است" و "زندگی سفر است"، به ماهیت و صورت دنیا و زندگی اشاره دارند؛ به عبارتی به جهت داشتن زندگی و پیش رفتن به سمت هدف در دنیا تأکید دارند. بر اساس این استعاره‌ها، دنیا و زندگی آغازی دارند، در مسیری به پیش می‌روند و مرحله به مرحله به سمت هدف نزدیک‌تر می‌شوند. به کارگیری این دو استعاره در تعدادی از اشعار پروین کنار یکدیگر در کی منسجم از چیستی دنیا و زندگی را امکان‌پذیر می‌سازند. به بیانی دیگر، دنیا آغازی دارد که همان زندگی است، عمر و زندگی در مسیری به پیش می‌رود و مرحله به مرحله به سمت هدف که همان رستگاری است؛ نزدیک‌تر می‌شود.

استعاره "دنیا سرزمین است" در شعر سعدی و استعاره "زندگی سرزمین است" در شعر پروین یافت شد. بافت شعری این استعاره‌ها حکایت از مفروض شدن دنیا و زندگی به مانند ملک و سرزمینی است که خلافت آن برای مدتی محدود از طرف خداوند به هر انسانی داده شده است. به نظر این استعاره‌ها برگرفته از آیات قرآن کریم هستند: (انی جاعل فی الارض الخلیفه، سوره بقره، آیه ۳۰). دو شاعر به وسیله این استعاره‌ها قدرت انسان را در دنیا برابر با قدرت پادشاه هر سرزمین متجلی می‌سازند که با دقت در تعیین اهداف، تصمیمات و اعمال خود می‌تواند وظیفه پاسداری از ملک فرمانروایی خود که همانا فلسفه وجودی اوست، را به درستی انجام دهد. کاربرد استعاره‌های مذهب محور هم محصول واقعیت فرهنگی و اجتماعی دو شاعر هستند و هم محصول شیوه‌ای که ایشان به تجربه از فلسفه هستی در ذهن خود شکل داده‌اند.

استعاره "دنیا حیوان است" در شعر سعدی و استعاره‌های "دنیا حیوان است" و "زندگی حیوان است" در شعر پروین مشاهده شد. این استعاره‌ها بر ماهیت دنیا و واقعیت زندگی دلالت می‌کنند. نوع حیوان به کار رفته در عبارات‌های استعاری سعدی برای مفهوم‌سازی دنیا، گرگ و اسب سرکش و در عبارات‌های استعاری پروین علاوه بر این دو نوع، زاغ و روباه است. پروین برای مفهوم‌سازی زندگی از اسب سرکش بهره گرفته است. با توجه به ویژگی‌های بارز حیوانات به کار رفته در استعاره‌های مفهومی با حوزه مبدأ حیوان، جنبه‌های منفی و ناخوشایند همچون تباهی برای مفهوم دنیا و زندگی برجسته می‌شوند.

استعاره‌های مبتنی بر مذهب "دنيا مزرعه است" و "زندگی مزرعه است" در اشعار سعدی یافت شد؛ در حالی که در شعر پروین حوزه مبدأ مزرعه تنها برای مفهوم دنیا یافت شد. این استعاره‌ها درک و تجربه‌ای متفاوت از دنیا و زندگی به وجود می‌آورند و در ذهن مخاطب نسبت به فلسفه حیات چالش ایجاد می‌کنند و موجب می‌شوند او از خود پرسد چه چیز باید در این مزرعه بکارند و به عبارتی وظیفه او در دنیا چیست؟ و چگونه باید این کار را انجام دهد و بنابراین به اهمیت و نقش دنیا و زندگی در رسیدن به هدف آفرینش نزدیک می‌شود.

استعاره‌های مفهومی "دنيا اقتصاد است" در شعر سعدی و "دنيا اقتصاد است" و "زندگی اقتصاد است" در شعر پروین یافت شده‌اند. بر اساس بافت شعری در این استعاره‌ها، دنیا و زندگی چون بازار و محل تجارت و اعمال نیک به سان متاع و کالا فرض شده‌اند. استعاره‌های مفهومی "دنيا اقتصاد است" و "زندگی اقتصاد است" جنبه عام المنفعه بودن انجام اعمال نیک را در دستیابی همگانی افراد جامعه به عاقبت خیر برجسته می‌نمایند؛ در حالی که استعاره‌های "دنيا مزرعه است" و "زندگی مزرعه است" بر جنبه عملکرد فردی تأکید دارند.

استعاره‌های مفهومی "دنيا دریا است"، "دنيا جنگ است" و "دنيا ساختمان است" در شعر دو شاعر که بر اساس بافت شعری بیشتر بر جنبه‌های منفی دنیا تأکید دارند، به واسطه پنهان‌سازی جنبه‌های زیبایی ظاهری زندگی دنیوی؛ مخاطب را به تفکر هر چه بیشتر درباره ماهیت و فلسفه آفرینش وامی‌دارند. پروین از حوزه مبدأ باغ برای مفهوم‌سازی "دنيا" و "زندگی" بهره گرفته است. این استعاره‌ها با مفروض داشتن ماهیت دنیا و زندگانی به مانند باغ، میان زندگانی معنادار و هدفدار و زندگانی بی‌معنی و بی‌هدف تمایز ایجاد کرده‌اند. او از حوزه‌های مبدأ درخت و مسابقه نیز برای مفهوم‌سازی زندگی استفاده کرده است و بر اساس بافت شعری بر جنبه محدودیت فرصت برای عمل کردن و جنبه رقابتی میان عملکردها در زندگی تأکید کرده است که استعاره اخیر می‌تواند بر پایه آیه شریفه قرآن کریم باشد که می‌فرماید: "و السابقون السابقون اولئك المقربون" یعنی "پیشی‌گیرندگان (به اعمال نیک) پیشی‌گیرندگان‌اند (به رحمت و آمرزش)؛ اینان مقربان‌اند (سوره واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱). هر دو شاعر بر اساس داده به مفهوم‌سازی دنیا بیشتر توجه داشته‌اند تا مفهوم‌سازی زندگی و هستی و عمر. با بررسی استعاره‌های مفهومی دنیا و زندگی در اشعار دو شاعر درمی‌یابیم که هر چند که هر استعاره بر یکی از جنبه‌های مفاهیم "دنيا" و "زندگی" متمرکز شده است و یک هدف یگانه را تحقق

کار بست نظریه استعاره مفهومی در بازنمایی تفکر غالب سدهی... ۷۹۱۱۱

می‌بخشد؛ اما به طور کل میان اهداف آنها همپوشانی و در نتیجه انسجام وجود دارد؛ به طوری که نمایان گر ناپایداری دنیا، لزوم عدم توجه به فریبندگی‌های دنیا، لزوم توجه به چگونگی گذران عمر و زندگی و انجام اعمال نیک در طول زندگی به منظور فراهم کردن بستری مناسب برای دنیای پس از مرگ و زندگی جاودانه است.

۵. نتایج مقاله

پژوهش حاضر بر اساس مطالعه کمی داده‌ها که در قالب نمودار و جدول ترسیم شدند و تحلیل‌های انجام شده در مورد داده‌های پژوهش، به نتایج زیر دست یافت: سدهی مفهوم‌سازی دنیا را در قالب ۵۳ حوزه مبدأ جزئی و مفهوم‌سازی زندگی را در قالب ۳۲ حوزه مبدأ جزئی بیان کرده است؛ اما پروین از ۱۷۶ حوزه مبدأ جزئی برای مفهوم‌سازی دنیا و از ۳۸ حوزه مبدأ جزئی برای مفهوم‌سازی زندگی استفاده کرده است. بر اساس داده، در شعر دو شاعر حوزه‌های مبدأ مشترک برای مفهوم‌سازی دنیا و زندگی، شیء و انسان است. حوزه‌های مبدأ شیء، انسان، ساختمان، سفر، حیوان، دریا، مزرعه، اقتصاد و تجارت، جنگ و جهت‌های فیزیکی در اشعار هر دو شاعر برای مفهوم‌سازی دنیا مشاهده گردید. حوزه‌های مبدأ شیء و انسان در اشعار هر دو شاعر برای مفهوم‌سازی زندگی مشاهده گردید.

در اشعار سدهی داده‌های با حوزه مبدأ شیء برای هر دو مفهوم "دنیا" و "زندگی" با بالاترین بسامد یافت شده‌اند. در اشعار پروین داده‌ها با حوزه مبدأ انسان برای مفهوم "دنیا" و داده‌ها با حوزه مبدأ شیء برای مفهوم "زندگی" با بالاترین بسامد یافت شده‌اند. سدهی از حوزه‌های مبدأ شیء، انسان و مزرعه برای مفهوم‌سازی هر دو مفهوم "دنیا" و "زندگی" بهره گرفته است. پروین از حوزه‌های مبدأ شیء، انسان، سفر، حیوان، اقتصاد و باغ برای مفهوم‌سازی هر دو مفهوم "دنیا" و "زندگی" بهره گرفته است.

استعاره‌های "دنیا شیء است"، "زندگی شیء است"، "دنیا انسان است" و "زندگی انسان است" در ک فلسفه هستی را در قالب ماده و وجود انسان ممکن و ملموس مینمایند و به مخاطب خود یادآور می‌شوند که دنیا و زندگی به مانند اشیاء و وجود انسان، ناپایدار هستند؛ بنابراین وابستگی به آنها بی‌معناست. این استعاره‌ها نوع نگاه و اندیشه شاعران نسبت به دنیا و زندگی را برای مخاطب روشن می‌سازند تا مخاطب دریابد که زندگی دوامی ندارد و هر آن ممکن است از دست برود و بنابراین نباید غافل شود و فریب ظواهر دنیوی رو بخورد.

از وجوه اشتراک دو شاعر آنست که بر اساس داده هر دو به مفهوم‌سازی "دنیا" بیشتر توجه داشته‌اند تا مفهوم‌سازی "زندگی" و تلاش نموده‌اند جهان بینی و اندیشه خود نسبت به فلسفه آفرینش انسان و چگونه زیستن و چگونه گذراندن عمر را بیشتر با استعاره‌های دنیا تبیین کنند. با بررسی استعاره‌های مفهومی دنیا و زندگی در اشعار دو شاعر درمی‌یابیم که هر استعاره بر یکی از جنبه‌های مفاهیم "دنیا" و "زندگی" متمرکز شده است و یک هدف یگانه را تحقق می‌بخشد؛ اما به طور کل میان اهداف آنها همپوشانی و در نتیجه انسجام وجود دارد؛ به طوری که نمایان‌گر ناپایداری دنیا، لزوم عدم توجه به فریبندگی‌های دنیا، لزوم توجه به چگونگی گذران عمر و زندگی و انجام اعمال نیک در طول زندگی به منظور فراهم کردن بستری مناسب برای دنیای پس از مرگ و زندگی جاودانه است.

اعتصامی، پروین. (۱۳۹۶). **دیوان اشعار**، چاپ سوم، تهران: نشر ثالث.

سعدی، شیخ مصلح الدین. (۱۳۸۱). **کلیات**، نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی، تهران: نشر پیمان.

لیکاف، جرج؛ جانسون، مارک. (۱۳۹۵). **استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم**، ترجمه هاجر آقا

ابراهیمی، تهران: نشر علم.

Charteris-Black, J. (2017). **The routledge handbook of language and politics**, London: Taylor and Francis group.

Evans, V. & Bergen, B. & Zinken, J. (2007). **The Cognitive Linguistics Readers**, USA: Equinox Publications.

Geraerts, D. (2006). **Cognitive Linguistics: Basic Readings**, Mouton De Gruyter.

Kovecses, Z. (2009). **Metaphor and Poetic Creativity: A Cognitive Linguistic Account**, Journal Acta Universitatis Sapientiae, Philologica, University Eötvös Loránd, 1(2): 181-196.

Lakoff, G. (1993). **The contemporary theory of metaohor**, Cambridge: CambridgeUniversity Press.

Lakoff, G. & Johnsen, M. (2003). **Metaphors we live by**, Chicago: University of Chicago Press.

Lee, D. (2001). **Cognitive Linguistics**, New York: Oxford University Press.

Luo, R. (2018). **A Study on Chinese LIFE Metaphors fro Corpus-Based Approach**, Neuroquantology, 16(5): 67-75.

Talmy, L. (2000). **Towards a cognitive semantics**, Cambridge, MA: MIT Press.

Trang, Ph. (2021). **The conceptualization of life in English and Vietnamese propaganda slogans**, Vietnam: V NU Journal of Foreign Studies, 37(1): 153-164.

Yang, X. (2015). **Retracted: A Cognitive Poetic Approach to the Function of Metaphor**, China: Journal of Advances in Literary Study, 3(3): 84-88.